



منظومه میتاق

برنامه صبحگاه مهدوی ویژه نیروهای نظامی
ویژه نهم ربیع الاول سالروز آغاز امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

پیش درآمد:

نهم ربیع الأول، سال روز آغاز امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر همه منتظران مبارک باد!

نهم ربیع الأول، در امتداد غدیر و به تعبیر والاتر، خود، غدیری دیگر است.

نهم ربیع الأول، مدرکی برای تداوم خط غدیر در جلوه خورشید پس ابراست.

نهم ربیع الأول، عید امامت و ولایت است.

نهم ربیع الأول، یادآور روز اکمال دین و اتمام نعمت است.

نهم ربیع الأول، برنامه الهی برای استمرار غدیر در آئینه امامت است

نهم ربیع الأول، حاصل بذر غدیر است

نهم ربیع الأول، روز امامت، روز انتظار، روز ولایت، روز بیعت و پیمان دوباره با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

نهم ربیع الأول، عید الله اکبر است، عید آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، عید وفاداران به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام.

نهم ربیع الأول، نشان دادن خورشید به گرفتاران ظلمت است.

نهم ربیع الأول، روز درخشش امید در دل مستضعفان است.

نهم ربیع الأول، روز تقسیم شکوفه های لبخند بر همه منتظران حضرتش است.

پاسداشت نهم ربیع الأول، تجدید عهد با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. پس بیاییم برای پاسداشت آخرین غدیر، با احیای فرهنگ تجدید بیعت در هر صبحگاه، به ویژه در صبحگاه نهم ربیع الأول، زمینه پایان بخشیدن به ظلمت را فراهم سازیم.

مسئله آغاز امامت و ولایت، متعالی ترین فرایندی است که در جهان انسانی رخ می دهد و بازتاب آن شامل تمامی عوالم وجود می شود. اگرچه امامان دوازده گانه علیهم السلام، همگی از جهت مقام امامت در یک مرتبه هستند و در لحظه آغاز امامت، مرتبه ای یکسان دارند، ولی به نظر می رسد که به خاطر جایگاه و مرتبه امامت و نوع مأموریت تاریخی، اولین و آخرین امام از جایگاه ممتازتری برخوردار هستند. این حساسیت و اولویت از اهمیت ویژه بستر سازی هدایت و تلاش گسترده سران باطل برای جلوگیری از موفقیت جبهه حق منشعب می شود. از این رو، ماجرای غدیر خُم و نهم ربیع الأول، دو عید شاخص در تاریخ امامت به شمار می روند.

در فرهنگ شیعه، جشن انتظار، مکمل سوگواره عاشورا است تا فرهنگ پیوند خورده عاشورا و انتظار، تعریف گرهویت شیعی باشد. امروزه تجلی جشن انتظار در جشن نیمه شعبان است که به نظر می رسد بهتر است اولویت اول جشن انتظار به جشن نهم ربیع الأول تغییر یابد؛ چراکه جشن نهم ربیع الأول، همانند و

بلکه آیین کمال یافته بعثت و غدیر است. پس این جشن، آن هم به پیوست حزن مقدس و طولانی دو ماهه محرم و صفر، نعمتی آسمانی و بزرگ است که به امید و آینده نگری آن، حزن و اندوه پیوسته را تبدیل به شادی و سرور حرکت آفرین می کند. جشنی زیبا و آسمانی که تا جشن های مولود پیامبر ﷺ امتداد دارد، تا ریشه ها و اصالت های جشن آخرین غدیر را نشان دهد.

اینکه بر ماست که به خاطر نعمت مکتب و فرهنگ تام و کامل و جامعی که به تمامی نیازهای فطری انسان، توجه نموده و حتی حبّ و بغض های انسانی را در متعالی ترین شکل، بر محور سرور و حزن اولیای آسمانی مدیریت نموده و کمال داده است، از خداوند شکرگزاری کنیم و مهم ترین نمود این شکرگزاری در احیا و نکوداشت فراگیر و اجتماعی این عید است؛ چراکه فرموده اند: «رحم الله من احیا امرنا».

اهداف:

بازتاب تجدید بیعت سالیانه در نهم ربیع الأول، در فرهنگ ادعیه مهدوی چنین است:

❖ لَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ وَ تَمَادَّتِ الْأَعْمَارُ لَمْ أَزِدْ فِيكَ إِلَّا يَقِينًا وَ لَكَ إِلَّا حُبًّا وَ عَلَيْكَ مُتَّكِلًا وَ مُعْتَمِدًا لِلْوُصُولِ إِلَى اللَّهِ وَ لِظُهُورِكَ مُتَوَقِّعًا وَ مُنْتَظَرًا بِجِهَادِي بَيْنَ رَاحَتِيكَ؛ اگر روزگاران به دراز کشد و عمر طولانی شود، یقینم به تو افزون گردد، و دوستیم فزونی یابد، و بر تو (بیش از پیش) تکیه کنم و مدد بخواهم، و چشم به ظهورت دارم و منتظرم، و آماده جهاد در راه توام.

❖ فَقَوِّ قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى وَ الْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى وَ الطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى وَ قَوِّنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ تَبَتُّنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ [مُشَابِعَتِهِ] وَ اجْعَلْنَا فِي حَرْبِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الرَّاغِبِينَ بِفِعْلِهِ وَ لَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَ لَا عِنْدَ وَفَاتِنَا؛ پس دل های ما را بر ایمان به او نیرومند ساز، تا بیری ما را به دست او در مسیر هدایت، و بزرگراه بزرگتر، و راه میانه تر، و ما را بر طاعت او نیرومند کن، و بر پیروی اش استوار فرما، و قرارمان ده در گروه و یاوران و یاران او، و کسانی که به کار حضرتش خشنودند، و این حقایق را در زندگی و نه در هنگام مرگ از ما مگیر.

بر پایه این روایات، نتایج تجدید بیعت عبارت خواهد بود از:

الف. یقین افزایشی،

ب. محبت روزافزون،

ج. مهدی زیستی عمیق تر،

د. انتظار پیوسته و پویا به معنای مهدی یآوری اجتماعی فراگیرتر،

ه. آمادگی هرچه بیش تر از پیش و...

ط. بَقِيَّتُ اللّٰهَ حَيَّرَ لَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِيْنَ وَمَا اَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيْظٍ ذَخِيْرَهٗ اِلٰهِيْ بِرَاى شَمَا بَهْتَرَا سْت؛ اِگر مُؤْمِن بَاشِيْد؛
و من بر شما نگهبان نیستم. (هود، ۸۶)

ی. الم * غَلَبَتِ الرُّومُ * فِي اَدْنٰى الْاَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُوْنَ * فِي بَضْعِ سِنِيْنَ لِلّٰهِ الْاَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ
وَيَوْمَئِذٍ يُفْرِخُ الْمُؤْمِنُوْنَ * بَنَصْرِ اللّٰهِ يَنْصُرُ مَنْ يَّشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ. الف، لام، میم. (سپاه) روم در نزدیک ترین
سرزمین شکست خورد؛ و[لی] آنان بعد از شکستشان در [ظرف] چند سال به زودی پیروز خواهند شد، کار[ها] قبل
از (آن شکست) و بعد از (این پیروزی)، فقط از آن خداست؛ و در آن روز، مؤمنان از یاری الهی (و پیروزی دیگری)
شاد می شوند. (خدا) هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، یاری می رساند؛ و او شکست ناپذیر [و] مهوروز است.
(روم، ۱۰۵)

قرائت دعای عهد

سخنرانی مهدوی (متن آن ذیلاً می آید)

متن سخنرانی:

بسم الله الرحمن الرحيم

به یازده خُم می، دست ما اگر نرسید بده پیاله که يك خم هنوز سربسته است
یوم الله نهم ربيع الاول، سال روز آغاز امامت قائم آل محمد، خاتم الاوصياء، بقیه الله الاعظم عَلَيْهِ السَّلَامُ و روز
تجدید میثاق با آن امام همام و اهداف و آرمان های بلند اوست.

روزی که در امتداد غدیر و بلکه خود غدیری دیگر است. شایسته است عاشقان مهدوی و منتظران منجی
بشریت، در هر کجا هستند به ویژه در کشورهای اسلامی و بالخصوص در این مرز و بوم که شیعه خانه امام
زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ است، با مراسمی ویژه به پاسداشت این روز بزرگ و عید الله الاکبر همت گمارند.

باید در این روز با امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ خود، تجدید پیمان کرده و بر مفاد عهد و میثاق خود - که به آن ها در
روایات و دعاها به ویژه دعای عهد اشاره شده - مروری دوباره داشته باشیم و به بازشناسی و بازخوانی
حقوق و تعهداتی که نسبت به آن امام نورو گنجینه عهد الهی و امید همه مستضعفان عالم بر عهده داریم،
بپردازیم که به فرموده صادق آل محمد عَلَيْهِ السَّلَامُ، این عهد خدای عزوجل با ما است؛ حضرت در پاسخ یکی از
یارانش در تفسیر آیه «لا یملکون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهداً» می فرماید: همانا عهد در نزد
خداوند، پذیرش ولایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و امامان بعد از اوست. امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز خود را چنین معرفی
می کند: از گنجینه و جایگاه پیمانی که [از جانب خداوند] بر عهده بندگان نهاده شده است.

در این جا به برخی عهدها و پیمان‌های خود نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف، هم‌چنین به زمینه‌ها و ریشه‌های آن (معرفت و محبت) و جایگاه و پی‌آمدهای آن (تبعیت و اطاعت) اشاره‌ای کوتاه خواهیم داشت.

معرفت امام

شناخت امام، درك اضطرار به او و آگاهی به حق ولایت اوست؛ زیرا امام از ما به ما و مصالحمان آگاه‌تر و نسبت به ما از ما مهربان‌تر است؛ چرا که آگاهی او شهودی و وجودی است و محبت او غریزی و محدود نیست، بلکه ربوبی و محیط است. امام از همه کَشش‌های نفسانی آزاد است. او به راه‌های آسمان آگاه‌تر از راه‌های زمین است. تلفیق این آگاهی و آزادی می‌شود عصمت و همین زیربنا و رمز پذیرش ولایت و سرپرستی آن‌ها و تسلیم در برابر آن‌هاست. نا آگاهی از حق ولایت امام و جهل در تشخیص و مصداق این چنین امامی آثار زیانباری هم‌چون چشم‌پوشی از همه دستاوردهای وحی، مرگ جاهلی، گمراهی و هلاکت و... را در پی دارد. در روایتی آمده است: کسی که در چهار چیز شك کند، به همه آن چه که خداوند آن را نازل فرموده کافر شده است؛ یکی از آن‌ها شناختن امام در هر عصر و زمان است که شخص امام را با صفاتی که داراست بشناسد. مَنْ مات ولا يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة: کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

کسانی که اضطرار به ولی را این‌گونه احساس کرده‌اند، می‌توانند به محبت و ولایت و اطاعت امام برسند و از تقدم و تأخر نجات یابند که: (المتقدم لهم مارق والمتأخر عنهم زاهق).

محبت

محبت، ادامه معرفت است. با درك اضطرار به امام و آگاهی از حق ولایت او، محبت امام در دل می‌نشیند و عشق به او که عشق به همه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست در قلب آدمی ریشه می‌گستراند. بدون این معرفت، عشق را دوامی نیست. آن محبتی که اجر رسالت است چنین عشقی است.

آن چه که می‌تواند بر این محبت بیافزاید، درك این نکته است که این محبت يك طرفه نیست، بلکه دو سویه و طرفینی است. این‌گونه نیست که فقط من امام را دوست داشته باشم، بلکه او هم به من محبت دارد و حتی از من به من مهربان‌تر است؛ چون همان‌طور که اشاره شد، علاقه من به خودم غریزی است، ولی علاقه امام به من غریزی و محدود نیست که ربوبی و محیط است و بر اساس سعه وجودی او و برخاسته از معرفت شهودی و وجودی اوست. همین است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: به خدا سوگند! که من نسبت به شما از خود شما مهربان‌ترم. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز می‌فرماید: ما برای شما دعا می‌کنیم و

شما که دعا می کنید ما آمین می گوییم. سید بن طاووس نقل می کند: سحرگاهی در سرداب مقدس بودم، ناگاه صدای مولایم را شنیدم که برای شیعیان خود چنین دعا می کرد: بارالها! شیعیان ما از شعاع نور ما و باقی مانده سرشت ما خلق شده اند. آن ها گناهان زیادی با اتکای بر محبت به ما و ولایت ما انجام داده اند. اگر گناهان آن ها گناهی است که در ارتباط با توست، از آن ها بگذر که ما راضی شدیم و آن چه از گناهان آن ها در ارتباط با خودشان هست، خودت بین آن ها را اصلاح کن و از خمسی که حق ماست به آن ها بده تا راضی شوند و آن ها را داخل بهشت بگردان و از آتش جهنم نجات بده و با دشمنان ما در غضب خود جمع مفرما.

ولایت

با معرفت و محبت امام به ولایت و سرپرستی او می رسیم. ولایت نه به معنای محبت که به معنای سرپرستی و تولیت در امور و امامت و پیشوایی است؛ یعنی سرپرستی و حاکمیت امام بر فرد و جامعه؛ بر فکر و احساس و عمل فرد و خانه و مدرسه و جای جای زندگی و متن جامعه.

این ولایت است که رکن رکین، اساس دین، کلید و گشایش گرو راهنمای همه ابعاد دین است و آن قدر که به آن، دعوت و سفارش شده به هیچ یک از دیگر ابعاد و ارکان دین دعوت نشده است؛ این ولایت است که تنها در مالک ها و سلمان ها و مقدادها یافت می شود و در معاویه ها و احمد حنبل ها و جرج جرداق ها نشانی از آن نیست.

این ولایت است که تحمل آن سخت و سختی آفرین است و بدون عشق و ایمانی مبتلا و بلاکش و یا شهود و آگاهی و تا آخر خط را دیدن، کسی را یارای به دوش کشیدن آن نیست. همین است که اگر کسی تمام شب ها به نماز بایستد، همه روزها روزه باشد، همه اموالش را صدقه بدهد و همه عمر حج بگذارد، اما ولی زمانه خود را نشناسد و اعمالش را به سرپرستی و ولایت او انجام ندهد، از اعمالش هیچ بهره ای نمی برد و از اهل ایمان نخواهد بود. باید تنها ولایت و سرپرستی او را پذیرفت و از او خط گرفت: رضیتک یا مولای اماماً و هادیاً و ولیاً و مرشداً لا ابتغی بك بدلاً و لا اتخذ من دونك ولیاً؛ ای مولای من! راضی و خوشنودم به پیشوایی و هدایت و سرپرستی و راهبری تو و به جای تو احدی را نمی خواهم و جز تو کسی را ولی و سرپرست خود نخواهم گرفت.

عهد

معرفت امام و محبت و ولایت او، زمینه ساز عهد و پیمان و بیعت با امام می شود؛ زیرا عشق و ولایت بدون عهده داری و مسئولیت پذیری، هوسی بیش نیست (که عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل ها. عهد، التزام خاص و نوعی تعهد پذیری در مقابل شخص یا کاری است. باید خود را به وظایفی که نسبت به امام داریم ملتزم سازیم و با او برای انجام خواسته ها و آرمان هایش عهد ببندیم (عهداً) و آن عهد را با اسباب و وسایلی محکم کنیم (عقداً) و در نهایت با او بیعت کرده و دست در دست او نهاده و دل و سر به او بسپاریم (بیعة).

عهد و عقد و بیعت سه مرتبه از يك حقیقتند که در شدت و ضعف با یکدیگر تفاوت دارند. باید با بازخوانی و تجدید عهد در هر پگاه و بیعتی تا همیشه، هم اراده و انگیزه خود را قوی کرد و افزایش داد و هم از غفلت ها و سستی ها جدا شد و فاصله گرفت. پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ نیز در بحران ها و مواقع حساس با یاران خود تجدید عهد کرده و از آنان بیعتی دوباره می گرفتند. امام مهدی علیؑ نیز در عصر ظهور به خاطر شرایط سختی که یارانش پیش رو دارند از آن ها چنین بیعت می گیرد:

...مسلمانی را دشنام ندهند... حریمی را هتك نکنند، به خانه ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق زنند، طلا و نقره و گندم و جو انباشت نکنند، مال یتیمان را نخورند... لباس خزو حریر (لباس های فاخر و اشرافی) نپوشند... در زندگی به اندك بسنده کنند... امر به معروف و نهی از منکر کنند و در راه خدا به شایستگی جهاد نمایند.

عهدنامه:

- الف. افزایش و تحکیم معرفت و محبت بیش تر و عمیق تر نسبت به امام
- ب. بازکاوی و شناسایی وظایف و تکالیف خود نسبت به حضرت و عهد و پیمان بر انجام آن ها
- ج. دعا برای فرج حضرت: اکثروا الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجکم.
- د. تنها ولایت و سرپرستی او را پذیرفتن و دل و سر به او سپردن: لا بتغی بك بدلاً و لا تأخذ من دونك ولياً؛ هیچ جایگزین و سرپرستی غیر تو نمی جویم و نمی خواهیم.
- ه. دعوت به آن حضرت و تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدویت و انتظار با بیان و قلم و هنر
- و. دوری از گناهان و آراستگی به اخلاق نیکو: من سرّه ان یكون من اصحاب القائم، فلینتظر ولیعمل بالورع ومحاسن الاخلاق و هو منتظر: کسی که دوست دارد از یاران قائم باشد، باید منتظر ظهور باشد و در همان حال از گناهان دوری کند و به اخلاق نیکو آراسته باشد.
- ز. بذل جان و مال و هر آن چه که داریم در راه امام.

ح. انتظار: افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل. برترین اعمال امت من، انتظار فرج از جانب خدای بزرگ است. انتظار، آماده باش و تحصیل آمادگی‌های لازم برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های مورد نظر است. انتظار، تنها يك حالت روحی نیست، بلکه با توجه به روایاتی که آن را (افضل الاعمال) و یا (احب الاعمال) می‌داند، يك حالت روحی جریان یافته و شکل گرفته‌ای است که از معرفت برخاسته و به اقدام و عمل می‌انجامد که بدون این جزء اخیر حقیقت آن تحقق نمی‌یابد. همین است که می‌گوییم: انتظار آمادگی آدمی در سه بُعد شناخت، عاطفه و رفتار و تحوُّلی در سه حوزه وجودی او: بینش و گرایش و عمل است.

ط. اقتدا: طوبی لمن ادرك قائم اهل بیتی و هو مقتدٍ به قبل قیامه...: خوشا به حال کسی که قائم از اهل بیت مرا درك کند و قبل از قیامش به او اقتدا و تأسی نماید... امام (ع) الگو و مقتدای منتظران و سالکان است. باید مهدی زیست بود و از عدالت خواهی و بسط و گسترش آن گرفته تا خوراك و پوشاك و سلوك فردی و اجتماعی و جای جای زندگی به او تأسی کرد.

ی. زمینه سازی برای ظهور

۱. یاری و دفاع و... از حضرت

۲. پیروی از ولی فقیه: و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجه الله علیکم: و اما در رخدادهای تازه، به راویان حدیث ما (فقهها) رجوع کنید که ایشان حجت من بر شما و من حجت خدا بر شما هستم.

این‌ها و جز این‌ها برخی از عهدهایی است که ما با امام خود داریم؛ عهدهایی که با انجام آن‌ها امید است چشم ما به جمالش روشن شود و شاهد ظهور موفور السرورش باشیم.

اطاعت

با معرفت و محبت و ولایت امام، به عهد و پیمان با او و آن‌گاه تبعیت و اطاعت او می‌رسیم. عهد و اطاعت، تجلی و نمود عشق و محبت است. هر چه عاشق‌تر، متعهدتر و مطیع‌تر. امام باقر علیه السلام به جابر می‌فرماید: والله لاتنال ولایتنا الا بالعمل. به خدا قسم! تنها با عمل است که می‌توان به ولایت ما رسید. در روایت دیگری از حضرتش سؤال شد: حق امام بر مردم چیست؟ حضرت فرمود: حق امام بر مردم این است که سخنش را بشنوند و اطاعت کنند. امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: جماعتی گمان می‌کنند که من امام و پیشوای آنانم؛ در حالی که به خدا سوگند، من هرگز امام آنان نیستم. خدا آنان را لعنت کند؛ آن‌چه من آن را مخفی کردم، افشا کردند. [درست نقطه مخالف اعمال مرا انجام می‌دهند]. من می‌گویم چه و چه، آن‌ها می‌گویند:

مقصود این و این است. [گفته‌های مرا مطابق میل و هوای نفس خود تفسیر می‌کنند.] من فقط امام و رهبر آن کسی هستم که از من اطاعت و تبعیت کند.

اطاعت امام؛ یعنی بر سرقرارها ایستادن و به عهد و پیمان‌ها عمل کردن؛ یعنی بازخوانی و مرور مستمر و همیشگی میثاق‌ها و گردن کشیدن و مراقبت مدام بر انجام آن‌ها.

اطاعت امام؛ یعنی خود را وقف امام و خواسته‌های او کردن و همیشه و همه جا، یاور و مدافع حریم ولایت بودن و در جهت تحقق خواست‌ها و آرمان‌های او که همان خواسته‌های خداست، گام برداشتن.

اطاعت امام؛ یعنی زمینه ظهور او را فراهم ساختن

اطاعت امام؛ یعنی بسط عدالت و فرهنگ عدل پذیری در جامعه و نهادینه کردن آن.

اطاعت امام؛ یعنی تلاش در جهت اصلاح خود و جامعه.

اطاعت امام؛ یعنی حاکمیت ولایت معصوم در فکر و اندیشه، عاطفه و احساس، اقدام و عمل.

اطاعت امام؛ یعنی جلوه خواست امام در جای جای زندگی از خانه و مدرسه گرفته تا کوچه و بازار.

اطاعت امام؛ یعنی برنامه ریزی راهبردی نظام در جهت انتظار و اهداف امام و قرار گرفتن همه نهادها در همین راستا از حوزه و دانشگاه گرفته تا آموزش و پرورش و ارشاد و سازمان تبلیغات و صدا و سیما و ...

اطاعت امام؛ یعنی بسیج همه امکانات و به کارگیری تمام توان جامعه برای ایجاد شور و رغبت اجتماعی به ظهور و دولت کریمه و زمینه سازی آن؛

منبع: برگرفته از کتاب با جاری انتظار استاد پورسید اقای

اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه `تعزبها الاسلام و اهله و تذلل بها النفاق و اهله و تجعلنا فيها من الدعاه ` الى طاعتك والقاده ` الى سييلك و ترزقنا بها كرامه ` الدنيا والاخره `... اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا - صلواتك عليه و آله - و غيبه ` و لينا و كثره ` عدونا و قلّه ` عددنا و شدّه ` الفتن بنا و تظاهر الزمان علينا.

قرائت دسته جمعی میثاق نامه.

بسم الله الرحمن الرحيم

میثاق با جانان

اللهم انی اجدد له فی صبیحة یومی هذا و ما عشت من ایامی عهدا و عقدا و بیعة له فی عنقی لا حول
عنها و لا ازول ابدا

خدایا در صبح این روز و تمام ایامی که زندگی کنم ، از برای آن حضرت بر عهده ام ، عهد و پیمانی است
و تجدید بیعت می کنم که از آن روی نگردانم و هیچ گاه از آن دست نکشم.

مولای من ! با تو میثاق می بندم که از یاوران و کمک کاران و مدافعان ساحت مقدست باشم.

مهدی جان ! با تو پیمان می بندم که از شتابندگان بسوی تو و فرمانبرداران او امر نافذت گردم.

ای پادشه خوبان ! در این لحظه پر امید ، با تو پیمان می بندم که ، حلقومم از فریاد غربت و تنهایی شما
خاموش نگردد و خاطر من از ذکر یاد و نام شما خالی نماند.

ای مولای جان ها ! اگر سست ایمانان ، با شنیدن عریبه دشمنان ستمگر ، قلب هایشان به لرزه در می آید

ما با «قدرت الله» پیمان می بندیم که دست در دست سرورمان حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای

حفظه الله ، استخوان های مستکبران و فتنه آفرینان را در هم بشکنیم و علیرغم یأس افکنی ناامیدان

، زمین و زمانه را مهبیای حکومت شما که حکومت صالحان و وارستگان است ، بسازیم.

مولای عزیزم ! یاریم کن تا این عهد و پیمان را در هر سپیده دم ، همراه دعای عهد با شما زمزمه کنم .